

## انعکاس متنهای حماسی و اساطیری ایرانی در کتابهای باستانی ارمنی

مبروف است که ملل همسایه ایران و ارمنستان در يك دوره در قرن هفتم قبل از میلاد بوجود آمده اند. طبق منابع اولیه روابط ایران و ارمنستان که از هر حیث شایان توجه است از همین دوران شروع میشود. نمیتوان تکذیب کرد که تاجداران ارمنستان اغلب اوقات برادران و یا فرزندان شاهان ایران بوده اند.

در کتب خطی باستانی ارمنستان کراراً ذکر شده که قبل از تنظیم الفبای ارمنی (قرن پنجم بعد از میلاد) در ارمنستان تمام اسناد و رونوشتهای مربوط بامور دیوانی و حقوقی و همچنین قرار دادها و فرامین بزبان فارسی نوشته شده است. حتی مذهب دیرین ارمنه بطوریکه اسامی خدایان از قبیل آرامازد، آناهید، واهاکن، میهر و تیر که تماماً ایرانی هستند گواهی میدهند نوعی از آئین زردشتی بوده است.

در نتیجه بسط و توسعه این چنین روابط بین ملل ایران و ارمنی آثار بدیع ادبی و هنری و همچنین نقلهای حماسی و اساطیری و کتب خطی باستانی ایران در ارمنستان باستان مورد توجه واقع شده است. در قرن پنجم بعد از میلاد مورخ مشهور ارمنی موسس خورناتسی خاطر نشان میسازد که وقتی هنگام نوشتن «تاریخ ارمنستان» از کتاب «راستسوهون»<sup>(۱)</sup> اثر مورخین ایرانی

بارسوما و خوروه بود استفاده کرده است.

موسس خورناتسی یادآوری میکند که خوروه بود منشی شاپور شوریار ابران بوده و باسارت یونانیان درآمده است. وی در آنجا زبان یونانی را آموخته و تاریخ شاپور وهولیانوس را برشته تحریر درآورده است. در همان ایام خوروه بود کتاب خطی «راستوهون» تالیف بارسوما را که شامل تاریخ شاهان قدیم ایران میباشد ترجمه (۶) کرده است.

اطلاعاتی که موسس خورناتسی در این باره در دسترس ما میگذارد قابل توجه و مهم است، زیرا ما نه تنها با سامی مورخین باستانی ایران مانند خوروه بود و بارسوما که نامشان برای ایرانشناسان مکثوم و مجهول بوده است برمیخوریم، بلکه از آن معلوم میشود که کتاب خطی حاوی تاریخ شاهان قدیم ایران در ابتدای امر «راستوهون» نامیده شده است.

در کتابهای خطی باستانی ارمنی بیش از همه نقلهای حماسی و اساطیری ایران منعکس شده است. خود موسس خورناتسی داستان آزداهاک را که با تمام جزئیاتش مانند وظیفه ضحاک است. داستانی که فردوسی پس از پنج قرن بنظم درآورده است. بیان میکند. لیکن مورخ ارمنی چنان جزئیاتی را مندرک کرده که در داستان فردوسی یافت نمیشود. مثلاً موسس خورناتسی در کتاب خود مینویسد:

«آزداهاک ایرانیها جد خود آنهاست. وی همزمان نربوتین است. نام حقیقی وی که در کتاب خطی کافدئی یافته ام کنتاورس پیوردیبا است. وی نه تنها با شجاعت و رشادت بلکه با جاه و جلال تمام بر قوم خود فرمانروائی میکرد. مطیع و فرمانبردار نربوتین بود و میخواست نشان بدهد که طرز زندگی همه مردم باید اشتراکی باشد. وی میگفت هیچ کس نباید مالکیت شخصی داشته باشد. همه چیز باید عمومی و مشترک باشد.»

در کتاب خورناتسی «تاریخ ارمنستان» همچنان نقلهایی درباره اردشیر منعکس شده است. مورخ ارمنی نوشته که اردشیر پسر ساسان آخرین پادشاه اشکانی را بقتل رسانده سلسله ساسانیان را تشکیل میدهد.

تطبیق اطلاعاتی که خورناتسی درباره این دوره تاریخ داده با اطلاعات کارنامک و شاهنامه فردوسی نشان میدهد که مورخ ارمنی از چنان منابعی استفاده کرده که در دسترس مؤلفین کارنامک و فردوسی نبوده است. مثلاً خورناتسی مینویسد:

۱- تصور میرود: راست سوهون (راست سخن) باشد. (پیام نوین)

« وقتی اردشیر پسر ساسان اردوان را بقتل رسانیده خود بسلطنت رسید و طایفه پهلوی مرسوم به آسپاهانی و سورتی پهلوی بپایه دیگر قوم خود که پادشاهی رسیده بود حسد و ورزیدند و داوطلبانه حکومت اردشیر را پذیرفتند... تاخیر این اغتشاش و نورش بگوش خسرو پادشاه ارمنستان رسید وی بکمک اردوان شتافت ولی بمحض وارد شدن با شور خبر قوت اردوان را شنید و با آندوه فراوان بکشور ما بازگشت.»

نقلهای مربوط به اردشیر همچنین در کتاب « تاریخ ارمنستان » تألیف مورخ ارمنی آگاتانگقوس که معاصر موسس خورناتسی میباشد انعکاس پیدا کرده است.

آگاتانگقوس این نقلها را عیناً مطابق همان مفاد و مضمونیکه در کارنامه و شاهنامه فردوسی وجود دارد بیان میکند. مورخ ارمنی در آغاز خوابی را که اردوان دیده شرح میدهد، سپس تعبیرات آنرا بیان میکند. وی مینویسد: ارتادخت (نزد فردوسی گلنار) یکی از کنیزان دربار اردوان پس از شنیدن تعبیرات پیشگویان شب در گاه اردشیر میآید و آنچه را که شنیده بود بیان میکند. اردشیر سوگند یاد میکند که پس از مغلوب کردن اردوان ارتادخت را به مسری قبول کرده بافتخار شهبا نوی ارتقا دهد.

فردوسی داستان اردشیر را طبق روایت آگاتانگقوس تصنیف و تنظیم نموده است. وی فقط روابط خصومت آمیز ساسانیان و اشکانیان را شدیدتر از آنچه بوده است بیان می کند. بدین وصف فردوسی خواسته است فرمانروایی ساسانیان را بر سایر ملل استیلا نماید.

انعکاس مفاد و مضامین نقلهای مربوط به اردشیر را همچنین میتوان نزد مورخ ارمنی اوستوس پوزاند که معاصر خورناتسی و آگاتانگقوس بوده است پیدا کرد.

در کتابهای باستانی ارمنی همچنین اطلاعاتی درباره آئین زردشت داده شده است. این اطلاعات بسیار جالبند، چون آنها را در منابع دیگر نمیتوان پیدا کرد. بنابراین برای ایرانشناسان منبع پرارزشی بشمار میرود. از همین نقطه نظر اطلاعاتیکه موسس خورناتسی به ما میدهد قابل توجه است. وی خاطر نشان میسازد که «قبل از آنکه بشر بتواند بچند زبان تکلم کند حکومت بدست زروان و تیتان و هاپتوسن میافتد که بنظرم سام و کام و هاپتاند».

پس خود موسس خورناتسی یادآوری میکند وقتی زروان بقدرت رسید، تیتان و هاپتوسن برضد او پیام کردند. زیرا وی مصمم بود فرزندان خود را پادشاهی برساند تا بر همه آنها حکمفرمایی کنند. در ضمن این اغتشاش مؤبد زردشت بیان آمده زروان را سرسلسله و پدر خدايان معرفی میکند.

در بارهٔ مکتب زردشت اطلاعات بیشتری نزد مورخین ارمنی یزیدیک - کوقباتسی ، یقیسه وقازار پارپسی که پانصد سال قبل از فردوسی میزیسته‌اند یافت میشود .

یزیدیک کوقباتسی در کتاب «یقتس آقاندتست» اطلاعات فراوانی دربارهٔ آئین زردشتی در دسترس ما میگذارد. در این کتاب او چنان جزئیات را بیان میکند که در شاهنامهٔ فردوسی وجود ندارد. وی مینویسد که در ابتدا فقط زروان وجود داشته است. او هزار سال قربانی کرد تا آهورمزدا و اهریمن در رحم مادرشان بیارآمدند. در این هنگام زروان تصمیم میگیرد هر کدام از فرزندان که زودتر پادشاه شود او را پادشاهی برساند. طبق روایت یزیدیک، همینکه اهریمن از تصمیم پدر باخبر شد فوراً رحم مادر را پاره کرده اول خودش از آن بیرون میآید. پس از او ورمیزد بدنیا میآید. پدر باهریمن رجوع کرده میگوید: «فرزند من خوشبو و نورانی است اما توتیره و بدبو هستی».

بروایت یزیدیک از همین روز مبارزهٔ نیروهای نیکی و بدی که قرون متمادی در ایران ادامه داشته شروع میشود.

یقیسه دربارهٔ آئین زردشتی اطلاعات بیشتری بماندهد. در کتاب «تاریخ» بر اساس نامه‌ای که بهر نرسه بملت ارمنی نوشته وی ماهیت آئین زردشتی و تاریخ پیدایش و ظهور آنرا شرح میدهد. او چنین مینویسد:

«در آن زمان که آسمان و زمین هنوز وجود نداشت خدای بزرگ زروان هزار سال قربانی میکرد و میگفت، شاید که مرا فرزندی باشد ورمیزد نام تا آسمان و زمین را بوجود آورد. در رحم او دو نطفه بیار آمد. او گفت هر کدام از آنها زودتر بدنیا آید پادشاه خواهد شد»  
بعنوریکه مؤلف میگوید اول اهریمن بدنیا آمد. وقتی پدر او را دید غمگین شده گفت، فرزند من نورانی است و خوشبو ، توتیره هستی و بدسرسشت .

سپس فرزند دیگر که پدر او را ورمیزد نامیده پادشاهی را از اهریمن گرفته با او گذار کرد پابعرصه وجود میگذارد

یقیسه همچنین تأیید میکند که از همین روز نبرد نیروهای نیکی و بدی که قرون متمادی ادامه پیدا کرده است بین برادران شروع میشود. قازار پارپسی مورخ قرن پنجم میلادی معاصر یزیدیک و یقیسه بوده است. وی همچنین نامه سردار ایرانی میهن نرسه را یادآوری کرده ماهیت آئین زردشتی را شرح میدهد .

در کتابهای خطی باستانی ارمنی داستان شیرین، شاهدخت ارمنی، زن خسرو پرویز ساسانی که یکی از ماهرویان شرق است انعکاس یافته است.

اولین مورخی که درباره این داستان سخن رانده سبوس بوده است .  
وی شخصا در دربار خسرو پرویز بوده شیرین را در آنجا دیده میگوید:  
خسرو پرویز زنه‌های متعددی داشت که همه آنها از لحاظ زیبایی بیمانند  
بودند، ولی در میان آنها شیرین که مسیحی و درخوزستان متولد شده بود زیباتر  
از همه بود. او بانوی با توان بود.

سبوس یادآوری میکند که شیرین در ایران مشغول امور ساختمانی بوده  
در نزدیکی دربار شاهنشاهی کاروانسراها و منزل گاه‌ها و کلیساها برپا میکرده  
است و بخدمتگاران که در آنجا گماشته بود انعام فراوان می‌بخشید.

مطالب یاد شده بمنزله حلقه‌های زنجیر طویل و محکمی از روابط فرهنگی  
است که در مدت همسایگی ملل ایران و ارمنستان استوار گردیده و در کتب خطی  
باستانی ارمنی منعکس گردیده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی